

بررسی و تبیین موانع افزایش جمعیت

با تأکید بر آموزه های اسلام

دکتر کرم سیاوشی^۱

دکترسید کریم خوش نظر^۲

ندا سلیمانی فر^۳*

چکیده

زاد و ولد و افزایش جمعیت، موضوعی است که از آغاز ظهور اسلام تا کنون و در تمام لایه های تمدنی آن، امری پسندیده تلقی گردیده، آیات و روایات متعددی بر آن انگشت تأکید نهاده اند. براین اساس، جوامع دینی از جمله جوامعی به شمار می آیند که همواره به شاخص افزایش جمعیت در رشد و بالندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... اهتمام فراوان داشته اند. البته در ایران در اواخر دهه شصت و تمام دهه هفتاد شمسی پس از انقلاب اسلامی و به دلیل عدم دقت و آینده نگری درست و به خاطر رخ نمودن پاره ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ... افزایش توالد به عنوان یک معضل و آسیب اجتماعی مطرح شده و برنامه ریزی های رسمی و تبلیغاتی گسترده و مؤثری در جهت کاهش توالد صورت گرفته است!

در این نوشتار علل عدم اعتنا و اهتمام به افزایش جمعیت در پرتو آموزه های اسلامی و با رویکرد توصیفی، تحلیلی مورد توجه و آسیب شناسی قرار گرفته است و مشکلات اجتماعی- فرهنگی مانند: افزایش سن ازدواج، مسؤولیت ناپذیری در تربیت فرزند، رواج دیدگاه های فمینیستی، تهاجم فرهنگی غرب، مشکلات اقتصادی و ... از جمله عواملی دانسته شده که در سالیان اخیر زمینه ساز کاهش جمعیت جوامع اسلامی شده است.

همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد که از منظر آموزه های اسلامی زاد و ولد و افزایش تعداد مسلمانان به عنوان یک عمل مستحب مورد تأکید و توصیه است.

کلمات کلیدی: جمعیت؛ افزایش؛ کاهش؛ اسلام، قرآن

مقدمه

فرایند شکل گیری تمدن اسلامی، موهون فرهنگ، آداب و اخلاق، و احکام و معارف برگرفته از متن و بطن دین اسلام است. دین اسلام مشتمل بر مجموعه آموزه های منسجمی است که ناظر بر عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و .. است. از این رو هرکنشی که در ابعاد نظری یا عملی انجام شود، باید حقانیت و اصالت مبانی و اصول دین در آن متبلور شود. مسأله میزان جمعیت در بین امت اسلامی موضوع مهمی است که آثار و تبعات گسترده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... در پی دارد. از این رو هرگونه اظهار نظر درباره آن، همواره باید مبتنی بر مبانی علمی و استدلال منطقی برگرفته از فرهنگ غنی اسلام صورت گیرد. مسأله جمعیت را می توان از جهات مختلف مورد واکاوی قرار داده، آسیب شناسی نمود. مهمترین پرسش قابل طرح در این نوشتار، این است که اساساً رویکرد دین به موضوع جمعیت چه بوده و چه مکانیزم ها و راهکارهایی برای تولید نسل، پیش روی پیروان خود می نهاد؟ آیا آموزه های اسلامی مشوق کثرت فرزندآوری است؟ از پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی، تحلیلی انجام پذیرفته، به

^۱ - استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا- همدان(ایمیل: karam.siyavoshi@yahoo.com)

^۲ - عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی ملایر(ک) khoshnazar110@gmail.com

^۳ - (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی ملایر(ه) ایمیل: neda_atashrooz_88@ymail.com

دست می آید که در اسلام افزایش تعداد مسلمانان و زاد و ولد به عنوان یک عمل مستحب مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، هرچند در مرور زمان و به دلیل ضرورت‌های مقطعی، مشمول حکم ثانویه ۱ قرار گرفته است. بر این اساس، افزایش جمعیت و تکثیر موالید با روح و تعالیم اسلامی سازگارتر است و باروری در پرتو بهره‌مندی از آموزه‌های دینی، ارزش‌های اخلاقی و پیاده سازی نگرش متعادل اسلام، بهترین راه برای رسیدن به هدف مطلوب در زمینه جمعیت است و این مسأله را می‌توان از جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد. پیش از طرح مسأله اصلی پژوهش، توضیح مختصری از مفاهیم کلیدی آن؛ از جمله نظریه های جمعیتی، باروری و اهمیت آن در قرآن ارایه می گردد.

نظریه های جمعیتی

جمعیت و ابعاد آن، نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می شود. تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می کند و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه ها می شود (شکری، فرزانه ۱۳۹۲، صص ۷۱-۵۹) برای برنامه ریزی جهت توسعه همه جانبه یک جامعه، شناخت جمعیت و میزان رشد آن امری حیاتی است. (مهرگان و رضائی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸) بدین ترتیب، از جمله راه های کسب توسعه همه جانبه، شناخت و آگاهی کافی از تغییر و تحولات جمعیتی است؛ زیرا تمامی جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه ای، با حجم جمعیت و ویژگی های ساختاری آن پیوند خورده است. (فولادی، ۱۳۹۲، صص ۱۷۲-۱۴۵) در این میان متفکران و جمعیت شناسان مختلف چهار نظریه: (کاهش، افزایش، ثبات نسل، و حد متناسب زاد و ولد) را مطرح کرده اند. در نوشتار پیش رو ضمن بررسی دو نظریه کاهش و افزایش جمعیت دیدگاه مکتب اسلام تبیین خواهد شد.

۱- نظریه کاهش جمعیت

بسیاری از جمعیت شناسان، دیدگاه های جامعه شناختی مبتنی بر کنترل جمعیت را به توماس مالتوس (۱۷۶۶م) نسبت می دهند. وی اولین کتابش را در ۱۷۹۸ در موضوع عدم تعادل بین جمعیت و وسایل معیشت، به چاپ رساند. (حلم سرشرت، ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۹) نظریه ی وی که به شدت مخالف افزایش جمعیت محسوب می شد از یکسو دارای زمینه های اجتماعی؛ نظیر فقر و هراس از کاهش منابع مورد نیاز بشر است و از سوی دیگر بین افزایش جمعیت و عوامل طبیعی مثل میل جنسی، ازدواج و رابطه زناشویی، ارتباط برقرار می کند. مالتوس با راه حل های اجتماعی مانند کمک به فقرا و گسترش خانه سازی و تأمین مسکن به ویژه برای طبقات کم درآمد مخالف بود؛ زیرا معتقد بود که راهبرد های مزبور جوانان را به ازدواج ترغیب و فقرا را وادار به زنجیره خواهی هرچه بیشتر می کند. (رک: کتابی، ۱۳۷۷) راه حل اساسی وی برای حل بحران جمعیت، تحدید ارادی زاد و ولد از طریق ازدواج دیر هنگام و پرهیزگاری جنسی قبل و بعد از ازدواج بود. وی بیان می کند: از طریق کنترل جمعیت، جامعه ای مرفه به وجود خواهد آمد و فقر و تنگدستی ریشه کن خواهد شد (زنجانی، ۱۳۷۸، صص ۱۹). لازم به ذکر است که بر اساس آیات قرآن افزایش تعداد جمعیت نمی تواند عاملی برای فقر محسوب گردد و دلیلی برای جلوگیری از فرزندآوری باشد. (انعام/ ۱۵۱؛ اسراء/ ۳۱)

۲- نظریه افزایش جمعیت

طرفداران نظریه افزایش زاد و ولد معتقدند که تعداد و تراکم زیاد جمعیت، انسان را به کار بیشتر و رقابت و تولید رو به افزایش و می دارد، که نتیجه آن تولید ثروت است. فلاسفه و اندیشمندانی چون ژان بودن، ویلیام تمپل، ویلیام گدوین، فرانسوا پرو، از جمله

طرفداران افزایش جمعیت هستند. (حاج سرشت، ۱۳۷۸، ص ۱۱) بر اساس این نظریه، کره زمین دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است و نباید از این بابت بیم به خود راه داد. بنابراین نه تنها نباید از ازدیاد جمعیت بیم داشت؛ بلکه بر عکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می تواند داشته باشد، مانند پیشرفت جامعه و افزایش قدرت حکومت، از آن استقبال کرد. لذا افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می نماید. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می دانند (کلانتری و صادقی ده چشمه، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳). در همین راستا می توان گفت: آیه شریفه: « **المال و البنون زينة الحياة الدنيا** » موقعیت مال و ثروت و نیروی انسانی را که دو رکن اصلی حیات دنیاست در این میان مشخص می کند. در حقیقت در این آیه دو قسمت از مهم ترین سرمایه های زندگی دنیا که بقیه بخش ها به آن وابسته است، مورد توجه قرار گرفته است. این دو عبارتند از: "نیروی اقتصادی" و "نیروی انسانی" چرا که برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی این دو نیرو لازم است، و به همین دلیل آنها که بر تخت قدرت می نشینند سعی در جمع آوری این دو نیرو می کنند. در زمان های گذشته هر کس فرزندان بیشتری داشت خود را نیرومندتر احساس می کرد، چرا که آنها یکی از دو رکن اصلی قدرت او را تشکیل می دادند، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۴۵) در آموزه های اسلامی آیات و روایاتی که دال بر مطلوبیت افزایش نسل است و مسلمانان را به فرزندآوری و تکثیر و تکثر اولاد تشویق می کنند مؤید نظریه افزایش جمعیت است.

مسأله افزایش جمعیت در قرآن کریم

قرآن کریم به صراحت درباره تولید و تکثیر نسل سخن نگفته، ولیکن برخی از آیات به ازدواج و آمیزش جنسی اشاره کرده اند که لازمه طبیعی آن تولید نسل و فرزندآوری است. به طور مثال آیاتی همچون « **وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ** » (نور/۳۲)؛ یعنی مردان بی زن و زنان بی شوهر را به نکاح درآورید و « **فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ** » (نساء / ۳) گرچه صریح در موضوع افزایش جمعیت و تولید نسل نیست ولیکن پر واضح است که این معنا به دلالت التزامی از آنها استفاده می گردد.

علامه طباطبایی یکی از فواید و حکمت های ازدواج از دیدگاه قرآن کریم را بقای نسل انسان و حفظ حیات نوع بشر می داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵) بنابراین، به طور قاطع می توان اذعان کرد که بر اساس نظریه مورد عنایت دین یکی از فوائد ازدواج، ازدیاد نسل و تداوم آن است؛ یکی از آیاتی که مفسران در آن غرض از ازدواج را به طور عمده تولید مثل و زاد و ولد، دانسته اند آیه ۲۲۳ بقره است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵۴) در این آیه می فرماید: « **نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْ يَشْتِمَ وَ قَدْ مُؤُوا لِنَفْسِكُمْ** » خداوند از زنان به عنوان کشتزار و از مردان به عنوان کسی که بذر در اختیار دارد و آن را می کارد، یاد کرده است که ثمره آن فرزند خواهد بود که جمله « **وقدموا لانفسكم** » بیانگر آن است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱۲) در دوران معاصر نیز بسیاری از بزرگان اندیشه، پیام واژگان به کاررفته در آیات قرآن رابه درستی دریافته، در توضیح و تبیین آن نکات قابل تاملی را گوشزد نموده اند که برخی از آنان در ذیل اشاره می گردد.

قرآن کریم هنگام بیان رابطه زناشویی بین زن و مرد، زن را کشتزار می نامد؛ نه فقط محلی برای ارضای غریزه جنسی: « **نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ** ». براین اساس، وجود زن برای تولید نسل و حفظ و بقای نوع انسان است و کردار شوهر با زن، در مقام تولید نسل باید مانند رفتار کشاورز با کشتزارش، برای تولید مثل باشد، پس آیه مورد بحث، در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل است و تکرار «حرت» به جهت اهمیت مسئله نسل و تأکید بر آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۰۰) برای تأکید بر حفظ نسل که هدف اصیل عمل زناشویی است، واژه «حرت» در آیه تکرار شده است. خداوند برای ترغیب به هدفدار کردن آمیزش جنسی می فرماید که از رهگذر مباشرت با زنانان فرزندان شایسته ای برای آخرت خود بفرستید، پس تولید مثل و بقای نسل مهم است؛

ولی فرزند نیز باید سودمند و صالح باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷) از آن جا که هدف از خلقت انسان، عبادت باری تعالی است: «و ما خلقت الجنَّ والانسَّ الا لیعبدون» (ذاریات، ۵۶)، بقای نسل صالح منجر به ابقای ذکر خداوند و یاد پروردگار می شود. «.. و نکتب ما قاتموا و آثارهم» (یس/۱۲) و ثواب و خیر پدر و مادر هم به فرزندان صالح و هم به آباء آن ها می رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱)

بارداری و اهمیت آن در قرآن

در مطالعات مربوط به جمعیت بارداری جایگاه ویژه ای دارد. نقش بارداری به عنوان مهمترین پدیده ی تعیین کننده نوسان های جمعیتی سبب شده است که مطالعه های مربوط به آن نسبت به سایر پدیده های جمعیتی از اهمیت فراوانی برخوردار باشد و بررسی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن سهم بزرگی از پژوهش های جمعیتی را به خود اختصاص دهد. سابقه زاد و ولد انسانی به پیدایش اولین انسانها برمی گردد و از این رو سابقه ای طولانی به قدمت خود انسان دارد. یکی از دلایل ضرورت بارداری و فرزندآوری حفظ نسل و بقای انسان است. (اجلال، نگاه اسلام به کنترل نسل، تبیان). در سبک زندگی دینی این ضرورت از طریق ازدواج شرعی پاسخ داده می شود. بنابر این تعریف و با توجه به وضعیت بیولوژیک زن و مرد هدفی جز تولید نسل و باقی گزاردن نسل منظور نبوده است و باقی احکام مربوط به روابط زن و مرد از قبیل احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و ... هم بر اساس همین واقعیت وضع شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷) با بررسی آیات قرآن در می یابیم رویکرد دین نسبت به باروری همواره بر افزایش جمعیت بوده است. در قرآن کریم شکل گیری، علقه، نطفه، بارداری و زایمان انسان ها از نشانه های قدرت خداوند ذکر شده است (طارق/۶-۴؛ قیامت/۴۰-۳۷) که به خواست و اراده خداوند محقق می شود (واقعه/۵۸-۵۷؛ فاطر/۱۱؛ غافر/۶۷). هرچند جوانی و تندرستی از عوامل مهم باروری قلمداد می شود، اما براساس آیات قرآن کریم چنانچه این امر به فرمان خدا باشد، در سالخوردگی نیز می تواند محقق گردد. (آل عمران: ۴۰-۳۹) البته افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان از نکات بسیار ارزشمند و قابل تحسین در قرآن کریم است؛ (واقعه/۱۳، ۳۴ و ۴۰) هم چنین درباره جواز پیشگیری از بارداری در فقه اسلامی آرای گوناگونی مطرح شده است؛ برخی مفسران اهل سنت با استناد به آیه ۱۵۱ انعام که از کشتن فرزندان بر اثر تنگدستی منع کرده، پیشگیری به روش عزل (کناره گرفتن از مباشرت قبل از انزال) را ممنوع شمرده اند، با این استدلال که عزل موجب قطع نسل انسان می شود و قطع نسل با کشتن نسل که در آیه از آن نهی شده تفاوتی ندارد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۱۳۲)؛ همچنین گاه به آیه ۱۸۷ بقره: «فَالْأَنْبَاءُ بِأَشْرُوهُنَّ وَابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ»؛ برای نهی از عزل استناد شده است با این بیان که «و ابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» طلب فرزند است و خداوند در این آیه مؤمنان را به آن فرمان داده است. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۲) برخی هم به احادیثی که با الهام از تعبیر «و إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ» در آیه ۸ تکویر عزل را نوعی زنده به گور کردن شمرده، استناد کرده اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ق، ج ۸، ص ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۷۳) در منابع اهل سنت برای جواز عزل گاه به آیه ۲۲۳ بقره «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ» استدلال شده (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۹۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۱) ولی استناد به این آیه با توجه به اینکه آیه مذکور ناظر به این جهت نیست، نقدپذیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱۲) چنانکه بر اساس آیات قرآن افزایش تعداد جمعیت نمی تواند عاملی برای فقر محسوب گردد و دلیلی برای جلوگیری از باروری باشد. (انعام/۱۵۱؛ اسراء/۳۱) که این تذکر قرآنی به صورت غیر مستقیم - تشویقی برای افزایش جمعیت و فرزند آوری است

بررسی عوامل زمینه ساز کاهش جمعیت

مشکلات تربیتی اجتماعی، تهاجم فرهنگی، مشکلات اقتصادی و ... از جمله عواملی است که زمینه ساز کاهش جمعیت جوامع اسلامی شده است. ما در این قسمت به علل و آسیب های عدم افزایش جمعیت می پردازیم و چون هر یک از علل، راهکار مخصوص به خود را دارد، برای حفظ پیوستگی و انسجام مطلب در ذیل هر یک از آنها، راهکارهای آن را با توجه به آموزه های اصیل فرهنگ اسلامی ذکر می کنیم.

۱- علل و آسیب های اجتماعی

الف) افزایش سن ازدواج

غریزه جنسی و نیاز به محبت همسری و عاطفه مادری و پدری، از جمله علل و انگیزه های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است. از این رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر، به ازدواج و تشکیل خانواده روی می آورند. مشکلات اقتصادی، مشکل در تأمین مخارج زندگی، مشکل مسکن، اشتغال، طولانی شدن تحصیل، عدم اعتماد به جنس مخالف، روابط نامشروع، خام بودن در مدیریت زندگی و عوامل نامناسب در محیط زندگی، از جمله عوامل مهم مؤثر بر تأخیر ازدواج دانسته شده اند. یکی از اهداف اجتماعی کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج ها و کشاندن بی رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت های اقتصادی و در یک کلام، نابود کردن بنیاد خانواده و ایجاد فساد اجتماعی است (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۲۳).

در معارف اسلامی نسبت به تشکیل خانواده، داشتن فرزند و حتی تکثیر اولاد توجه فراوان و درخورع نایتی وجود دارد، به طوری که در آیات و روایات فراوانی به این مهم اشاره شده و اهمیت آن بیان گشته است. دین اسلام که برترین دین الهی و خاتم ادیان است، همچنانکه برای تمام جوانب زندگی بشری برنامه ارائه کرده است، در مورد تشکیل خانواده، داشتن فرزندان و تکثیر اولاد، روابط خانوادگی، راهکارهای تربیت فرزندان، نحوه ی ارتباط صحیح با همسر و فرزندان و ... نیز برنامه و راهکار ارائه کرده است. با توجه به آیات و روایات میتوان گفت که از نظر اسلام فرزند به عنوان یک نعمت الهی و مایه ی برکت است و نباید از داشتن آن خودداری کرد. نکته ی دیگر اینکه تکثیر اولاد در تحکیم خانواده و جلوگیری از طلاق نقش به سزایی دارد. به طوری که آمار طلاق خانواده هایی که فرزند بیشتر دارند، بسیار کمتر از آمار طلاق در خانواده هایی است که فرزند ندارند و یا فرزند کمتر دارند؛ در واقع فرزندان سپری حمایتی در برابر طلاق فراهم میکنند که این سپر حمایتی، موجب حفظ و تداوم زندگی زناشویی میگردد (قدسی، ۱۳۹۰، ص ۷۳) از آنجا که والدین به دنبال رفاه و آسایش فرزندان هستند، میدانند که این رفاه و آسایش با طلاق دچار تزلزل شده و فراهم کردن آن توسط یکی از والدین کار بسیار دشواری خواهد بود. از طرف دیگر نگهداری از فرزندان به تنهایی برای هر یک از والدین کار دشواری است. نکته آخر اینکه زوجهای متأهلی که فرزند ندارند و تصمیم فرزنددار شدن را هم ندارند، نسبت به ادامه ی زندگی و تداوم رابطه خود مطمئن نیستند. در واقع میتوان گفت در ارتباط با وجود فرزند و تعدد آنها این گزاره مطرح است که « وجود فرزند و افزایش تعداد آنها، احتمال وقوع طلاق را کاهش میدهد » (قدسی، ۱۳۹۰، ص ۷۴). از مزایای چند فرزندی (بیش از دو فرزند) - علاوه بر آنچه ذکر شد - این است که بچه ها در کنار هم از تنهایی نجات میابند و سازگاری و تقسیم منافع را می آموزند، پشتیبان هم خواهند بود و فرزندان آینده خاله، عمه، عمو و دایی خواهند داشت (ادیب، ۱۳۹۰، ص ۲۵) البته میتوان به این آثار، نشاط و شادابی خانواده، کاهش مشکلات فرهنگی، رفع نیازهای عاطفی والدین و دیگر فرزندان، افزایش نیروی انسانی در محیط جامعه، جلوگیری از پیری زودرس جامعه و ... را نیز اضافه کرد.

ب) مسؤولیت ناپذیری در تربیت فرزند

یکی از مهم ترین مشکلاتی که خانواده ها در مساله فرزندآوری و تکثیر اولاد با آن روبرو هستند، مسأله مسؤولیت ناپذیری پاره ای از خانواده ها در تربیت فرزند است که قرآن کریم برای این مسئله راهکارهایی ارائه داده ، دستورات کاملاً عملی و ملموس برای تربیت فرزندان بیان کرده است. در مبانی تعلیم و تربیت الهی برای رشد و شکوفایی شخصیت فرزندان مراقبت ها و وظایف خاصی لحاظ گردیده است که از جمله می توان به آیات شریفه سوره لقمان اشاره نمود که نمونه ای از یک رابطه پدر و نحوه برخورد صحیح با فرزندان ، به عنوان الگو ارائه شده است که چگونه یک پدر دلسوز در مقام تربیت فرزند خود و با لحنی بسیار مهربانانه به تربیت دینی او همت گماشته و چه نکات و مضامین پرمحتوایی را برای فرزندش بیان می دارد.

سایر آیات تربیتی قرآن را نیز می توان به عنوان راهکارهای تربیتی برای تربیت هر چه بهتر فرزندان در نظر گرفت . بنابراین قرآن کریم، بر دو مسأله به صورت همزمان تأکید دارد: اول کثرت اولاد و بعد از آن تربیت صحیح آنها. بنابراین قرآن کریم صرفاً تولید نسل بدون تربیت دینی را تأیید نکرده است. در کنار تولید نسل، تربیت نسل هم لازم است مورد توجه قرار گیرد (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۶۹)

شاید نتیجه این قسمت این باشد که: کسانی که میتوانند فرزندان شایسته و سالمی را پرورش دهند، بهتر است که فرزندان بیشتری داشته باشند. البته با توجه به هزینه هایی که به فرزندان اختصاص می یابد نهادهای حمایتی نیز به صورت مادی و معنوی وظیفه پشتیبانی از این گونه خانواده ها را باید برعهده بگیرند. اسلام همانگونه که پیروان خود را تشویق نموده تا تشکیل خانواده داده و صاحب فرزند شوند، از آنها خواسته است که فرزندان خود را از تربیت صحیح بهره مند کنند و نسلی متدین و با فرهنگ مناسب به جامعه تحویل دهند .

ج) نهادینه شدن باورهای فمینیستی در جوامع دینی

اندیشه فمینیستی عمده ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان و دختران را کانون خانواده و ازدواج و مادرشدن می داند. از نظر آنها، پابندی زنان به مسائل خانوادگی و تعهد زنان نسبت به ازدواج و تربیت فرزندان، باعث نابودی حقوقشان و بدبختی آنها در طول تاریخ بوده است. بنابراین، زنان برای رهایی از این بدبختی و عقب ماندگی نباید ازدواج کنند؛ چراکه آنها اعتقاد دارند زن تمام وقتش را برای خانواده و تربیت فرزندان می گذارد و برای خود وقتی نمی ماند. متأسفانه رواج نگاه فمینیستی در طبقات گوناگون زنان جامعه و حتی نفوذ آن در قشر مذهبی کشور، سبب شده تا بسیاری از زنان از زیر بار مادر شدن شانه خالی کنند و مواردی نظیر کار، فعالیت های اجتماعی، پیشرفت، تحصیلات و... را بهانه این امتناع قرار دهند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۵۰). در همه ی ادیان الهی مادری، جایگاهی منحصر به فرد و مورد ستایش و سفارش است. این توصیه در آموزه های وحیانی اسلام با تأکید بیشتر بیان گردیده است، به گونه ای که قرآن کریم (لقمان/۱۴؛ احقاف/۱۵) فقط به زحماتی که مادر متحمل شده است، اشاره دارد. روایات اسلامی نیز بر اهمیت موقعیت مادری تأکید دارد و پیامبر اکرم (ص) بهشت را زیر پای مادران می داند. (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۸۰) امروزه فرهنگ غرب سبب تغییر در نگاه ارزشی به نقش مادری شده است. همچنین تاثیراندیشه ها و گرایش های فمینیستی در زمینه نقش مادری، به کم اهمیت شدن آن افزوده است، در میان برخی از فمینیستها ، بارداری ، زایمان و پرورش کودک امری منفی تلقی می شود و ادعاهای آنها در فضای فکری جوامع نیز تاثیر گذار بوده است (جوکار، ۱۳۹۳، صص ۶۹-۳۹).

د) اشتغال زنان

امروزه بسیاری از زنان در سازمان ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند و برخی هم در مشاغل اشتغال دارند که غیر ضروری یا غیرمرتبط با وظیفه زنان بوده و در حیطه و مسؤولیت مردان است. این مشاغل که هیچ سنخیتی با جسم و روح زن ندارد. این موضوع باعث شده زنان بیشتری در خارج از خانه مشغول به کار شوند. تا آنجاکه شاغل بودن، یک ارزش برای آنان

محسوب شده و این دسته از زنان به زنان خانه دار که مشغول تربیت فرزند هستند فخر می‌فرشند و خود را یک سر و گردن بالاتر از آنان می‌دانند. از این رو، این زنان به خاطر ترس از دست دادن کار و موقعیت اجتماعی خود، پا بر روی میل مادری خود می‌گذارند و تنها به یک فرزند فکر می‌کنند (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۸۸). بدین سان این گروه از زنان با در پیش گرفتن شیوه ای نادرست و با برعهده گرفتن وظیفه ای نابجا - و حتی در موارد بسیاری غیر ضروری - میل به همسر شدن و تمایل مادری و فرزند آوری را در خویش به شدت دچار صدمه می‌کنند.

ناگفته پیداست که اسلام با فعالیت های اجتماعی زنان مخالف نیست؛ اما این را نیز نمی‌پسندد که زنان از صبح تا شب در فکر تأمین معاش باشند و فرصت و حوصله کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندان را که اولویت اول آنان است، نداشته باشند. اسلام با تقسیم کار و واگذاری تربیت فرزندان به زنان و ملزم کردن مردان به تأمین هزینه های اقتصادی همسر و فرزندان، هرگونه اجباری را از دوش زنان برداشفت تا آنان بدون هر گونه نگرانی و تشویش در اندیشه تربیت فرزندان به عنوان وظیفه اصلی خود باشند. البته این اندیشه درست برخلاف تفکرات دنیای مدرن و مادی است که به زنان - اصطلاح - آزادی داده تا آنان را از بردگی در خانه رهایی بخشد؛ غافل از آنکه زن به بردگی مدرن و فشار کار مضاعف سپرده شد (سالاری مقدم، ۱۳۹۰، ص ۲۷) و از رهگذر این آزادی ظاهری، بسیاری از ارزش های اصیل زن، همچون: متانت و وقار، حیا و عفت، محبت مادری و نقش تربیتی زن از وی سلب گردیده است.

۲- علل و آسیب های فرهنگی

نقش رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری در تهاجم فرهنگی و زمینه سازی برای القای سیاست های نادرست کنترل مولید در جوامع اسلامی کاملاً جدی است، یکی از دغدغه های اساسی امروز بسیاری از خانواده ها تهاجمی است که از ناحیه شبکه های ماهواره ای شکل گرفته و بدون تردید یکی از اهداف اصلی شبکه های ماهواره ای خانواده ها هستند، ماهواره ابزاری است که آمریکا برای بمباران فرهنگی و به فساد کشیدن جوامع دنیا، از آن استفاده می‌کند. اشاعه فحشا و فساد و تباه نمودن نسل بشری - به ویژه مسلمانان - از اصولی است که در پروتکل های صهیونیستی آمده است که دقیقاً آن را دنبال می‌نمایند (در پروتکل دهم یهود آمده است: «ما حیات خانواده را در بین ملت ها از بین می‌بریم... و اهمیت تربیتی و اخلاقی آن را نابود می‌سازیم (محسن پور، ۱۳۸۲، ص ۸۲) یکی از اموری که موجب نگرانی قدرت های استعماری می‌گردد افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی است که به عنوان یک خطر تلقی می‌شود. «ساموئل هانتینگتون» در بخشی از مصاحبه خود درباره تمدن اسلام و چین و چالش آن ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان گفت: تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش هاست. چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی، شاهد آن هستیم این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده اند.» (چیدری، ۱۳۹۲)، بنابراین تحلیل گران غربی به گونه ای هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند و از موضع گیری های آنها در مقابل جمعیت مسلمانان، به دست می‌آید که جمعیت، یک فاکتور مهم در اقتدار سیاسی است و در استقلال و اقتدار سیاسی یک ملت نقش راهبردی دارد. از همین رو، همواره کاهش نسل به عنوان یکی از حربه های اصلی تهاجم فرهنگی غرب علیه مسلمانان به کار رفته است. توزیع نوارها، عکس ها و مجله ها، ورود گسترده ویدئو و فیلم های مبتذل، رواج استفاده از ماهواره، زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر فرهنگ غرب در جوامع اسلامی فراهم آورده است. شهید مطهری (ره) که از طرفداران افزایش جمعیت بوده، می‌نویسد: «این را توجه داشته باشید که مسئله ازدیاد نفوس که اسمش را می‌گذارند «بمب جمعیت» و آن قدر هم گفته اند که یک حس تنفر از بچه در این مردم ایجاد کرده اند، در کشورهای ما صادق نیست، یعنی کشورهای اسلامی هنوز به حد نصاب جمعیت نرسیده اند، این یک نیرنگ استعماری است که غربیان به کار می‌برند. آنجا که

خودشان از نظر سرزمین خودشان، عدد جمعیشان کافی است، ولی به وسیله ایادی خود در میان ما تبلیغ می کنند و خیلی وحشت دارند از این که کشورهای اسلامی عددشان بالا رود، برای اینکه آن وقت نعمت های خودشان را خودشان خواهند خورد و الا کشورهایایی از قبیل ایران، ترکیه، افغانستان و عراق هر یک استعداد دارند که چندین برابر و شاید تا ده برابر جمعیت خودش را نان بدهد». (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۸۲) ناگفته نماند که تقطیع نسل برای اهداف استعماری و سیاسی تنها مربوط به جامعه امروزی نیست بلکه همان گونه که در آیات قرآن هم اشاره شده میتوان نمونه هایی از آن را در گذشته های دور هم دید. برای نمونه در آیه ۲۰۵ سوره بقره یکی از کارهایی که مفسدان پس از به حکومت رسیدن انجام می دهند «از بین بردن نسل و اهلاک آن» است که در قرآن مصداق «فساد در زمین» محسوب شده است. مفسران در تفسیر آیه «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْخَرْثَ وَ النَّسْلَ». گفته اند: حرث "به معنی زراعت، و "نسل" به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می شود. بنابراین «اهلاک حرث و نسل» به معنی از میان بردن هر گونه موجود زنده، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴) در معنی حرث و نسل، تفسیرهای دیگری نیز ذکر شده از جمله اینکه: منظور از "حرث" به قرینه آیه شریفه (نَسَاؤُكُمْ خَرْثٌ لَكُمْ) زنان هستند، و منظور از "نسل"، فرزندان. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۴؛ مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱) که نتیجه این فساد این است که حاکمان طاغوتی، نظام خانواده و تربیت فرزندان را نابود می کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۴)

۳- دستاویز قرار دادن امور بهداشتی

یکی از راه های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی، مطرح ساختن امور بهداشتی است. یکی از اهداف اعلام شده این سیاست، تقلیل زایمان می باشد که احتمال مرگ و میر مادران و نوزادان شیرخوار را کاهش می دهد. دنبال کنندگان این سیاست، با طرح این مسئله که رابطه ای بین افزایش جمعیت و مرگ و میر (در سطح مرگ و میر نوزادان شیرخوار یا مرگ مادران به خاطر بارداری) وجود دارد، مردم را برای به کارگیری وسایل جلوگیری از بارداری متقاعد می سازند. سازمان جهانی یونسکو، به منظور ترویج سیاست های کنترل جمعیت در میان مردم که در نتیجه، کاهش جمعیت را به دنبال دارد، مجموعه ای از کتاب ها و نشریه هایی را در همین زمینه منتشر کرده که در کشورهای اسلامی، مدارس ملی تدریس این گونه کتاب ها و نشریه ها را به عهده گرفته اند (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۹۷-۹۸). درحالی که سلامت بدن زن، در زاییدن و حامله شدن و شیر دادن است. مطابق آخرین نتیجه کنگره های پزشکی که در آمریکا برگزار شده است و طبق آخرین مدارک و آمار، دخترانی که پیش از ۱۸ سالگی زایمان کنند سرطان پستان نمی گیرند و هرچه دیرتر بچه بزایند، درصد خطر تهدید سرطان پستان در آنها زیاد می شود و از سن سی سالگی که بگذرند، خطر سرطان پستان به نحو مضاعف بالا می رود. اما زنانی که اصلاً ازدواج نکنند و بچه نیاورند، درصد خطر سرطان پستان در آنها سرسام آواراست (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۴۱-۴۳).

۴- علل و آسیب های اقتصادی

یکی از مسائلی که به عنوان مانع ای جدی در سرراه فرزنددار شدن خانواده ها و به ویژه برای افزایش جمعیتی خانواده است، وجود مشکلات اقتصادی و فقر و تنگدستی خانواده ها می باشد. از آیات قرآن برمی آید (أنعام/۱۵۱؛ إسرائ/۳۱) که عربهای دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصبهای غلط، زنده به گور می کردند بلکه پسران را نیز - که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می شدند- از ترس فقر و تنگدستی به قتل می رسانیدند. تاسف این است که این عمل جاهلی و مجرمانه در عصر و زمان ما نیز به اشکال دیگری تکرار می شود و گاه به بهانه احتمال فقر و ناتوانی در تغذیه و پرورش آنها، کودکان بی گناه در عالم جنینی از طریق "کورتاژ" و ... به قتل می رسند. البقا امروزه برای سقط جنین دلائل بی اساس دیگری نیز ذکر می کنند، ولی مساله

فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلایل عمده آن است. اینها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و "جاهلیت قرن بیستم" حتی در جهانی وحشتناکتر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۴). حال آنکه همان گونه که پیشتر نیز گفته شد در قرآن کریم، کشتن فرزند به دلیل فقر و تنگدستی، بسیار مورد نکوهش واقع شده است. آیاتی در قرآن آمده که به طور مستقیم به این موضوع می‌پردازد. در سوره اسراء می‌فرماید: «و لا تقتلوا اولادکم خشية إِملاق نحن نرزقهم و إیاکم إن قتلهم کان خطأ کبیرا» (اسراء/ ۳۱)؛ و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آنها و شما را روزی می‌دهیم حقا که کشتن آنها گناهی است بزرگ. (بر اساس این آیه و آیه ۱۵۱ سوره انعام، کشتن فرزندان از گناهان بزرگ است. در اندیشه اسلامی رزق از سوی خداوند تعیین می‌شود و برابند عوامل مادی و معنوی به گونه‌ای است که افزایش جمعیت ضامن افزایش رزق نیز هست؛ لذا کاهش جمعیت به هر روش و توجیه‌ی، به خاطر ترس از فقر و مشکلات اقتصادی بر خلاف روح ایمان و اندیشه اسلامی است. باور به رازقیت خداوند یکی از مهمترین اندیشه‌های دینی است که فرد معتقد لازم است آن را پیوسته در ذهن و ضمیر خویش داشته باشد (ذاریات/ ۲۲ و ۲۳؛ هود/ ۶؛ طلاق/ ۲ و ۳؛ عنکبوت/ ۶۰؛ سبأ/ ۳۹؛ شورا/ ۱۹) در مجموع از آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید که جهت گیری دین به سمت تشویق فرزند آوری و استحباب کثرت نسل است و اینکه در موضوع کثرت نسل نباید از روزی هراس داشت؛ زیرا خداوند، روزی را ضمانت کرده است و مبنای سیاست جمعیتی در آموزه‌های دینی رویکردی خوش بینانه است چنانکه می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/ ۲۹) یعنی همه آنچه در زمین وجود دارد برای شما خلق شده است. افزون بر این نگاهی بر تجارب بشری نشان می‌دهد جمعیت زیاد، در یک مدیریت کارآمد اقتصادی نه تنها تهدید نیست بلکه به عنوان یک فرصت بی نظیر تلقی میشود. به عنوان مثال کشور چین با بیش از ۱.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ جمعیت، اقتصاد اول جهان را دارد و آمریکا با سیصد میلیون جمعیت به شدت از اقتصاد چین هراسناک است. پس اگر جمعیت زیاد به درستی هدایت گردد، تولید و رفاه بیشتری نیز در پی خواهد داشت. جالب آنکه قرآن کریم زدودن فقر را که در گرو ازدواج قرار داده که به صورت طبیعی به دنبال آن فرزندان به وجود خواهد آمد لذا می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ» (نور/ ۳۲)؛ مردان و زنان بی همسر و نیز بردگان و کنیزان شایسته و درستکار را همسر دهید و اگر تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنها را بی نیاز می‌کند. خداوند گشایش دهنده آگاه است

از سوی دیگر در قرآن کریم وعد «فقر و تنگدستی» و در کنار آن امر به فحشا را سیاستی شیطانی معرفی نموده است. چه در امر ازدواج این گونه است که هرچه آمار ازدواج کاهش یابد آمار فحشا افزایش می‌یابد. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۶۸)؛ شیطان وعده تهیدستی به شما می‌دهد و به زشتیها و می‌دارد، ولی خداوند به آمرزش و فزونی نویدتان می‌دهد که خداوند گشایشگری داناست.

نقش راهبردی افزایش جمعیت در رشد و تعالی جوامع دینی

جمعیت نقش مؤثری در ترسیم قدرت سیاسی و اقتصادی ملت‌ها برعهده دارد؛ به گونه‌ای که غفلت از آن می‌تواند خسارات جبران ناپذیری را در پی داشته باشد. گواهی‌که از دیدگاه جهانی نیز یکی از مشخصه‌های توسعه، رشد جمعیت است. (خدادادی، ۱۳۹۳) سیاست افزایش جمعیت یک راهبرد مؤثر در راستای افزایش امنیت است و کاهش جمعیت پیامدهای منفی بسیاری را در ابعاد امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشوره‌های اسلامی به دنبال خواهد داشت. در دین اسلام - بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم- بر ازدیاد نسل و پرورش فرزند صالح برای تعالی و قدرتمندی جامعه اسلامی تاکید شده است و

ازدواج موجب از بین رفتن فقر معرفی شده است. در این قسمت به نقش راهبردی جمعیت در رشد اقتصادی و اقتدار سیاسی و ... اشاره خواهیم کرد

نقش افزایش جمعیت در اقتدار سیاسی

نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت های مهم ناشی از جمعیت کشور، می توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین المللی اشاره کرد. به طور قطعی، جامعه ای که در سطح بین المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان تری است، می تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه های نظامی و عملیات های سرنوشت ساز، برگ برنده ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت (سبحانی نیا، ۱۳۹۱ صص ۲۵-۵۰) بدین سان کثرت عددی جمعیت جوان و با نشاط هم می تواند به صورت مستقیم و با حضور فیزیکی مورد استفاده قرار گیرد و منشأ قدرت باشد و هم به لحاظ فراوانی نوآوری ها و برنامه های تحول آفرینی که ارائه می دهد، می تواند منشأ توانمندی های جدیدی در عرصه فکری و تکنولوژیکی باشد.

نقش افزایش جمعیت در رشد و توسعه اقتصادی

افزایش نرخ رشد جمعیت بر روی رشد و توسعه اقتصادی نقش اساسی دارد چون در یک جمعیت اندازه نیروی کار و کیفیت آن مهم است و هرچه ساختار جمعیت در کشور به سمت نیروی جوان حرکت کند پایین هرم جمعیت گسترده تر می شود به این معنا که جمعیت جوان بیشترین رقم جمعیت را تشکیل می دهد. ابن خلدون جامعه شناس اسلامی معتقد است که نیروی انسانی نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا می کند وی جمعیت را یکی از ارکان تمدن می داند. وی هم چنین کاهش جمعیت را از عوامل تباهی عمران معرفی میکند و برای سخن خود شاهد مثال می آورد (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۵۸) چنانکه کثرت جمعیت را در رونق اقتصادی مؤثر می داند و می گوید: « هنگامی که عمران و اجتماع شهر توسعه یابد و بر جمعیت آن افزوده شود ابزار و وسایل آن هم به سبب کارهای فراوان و بسیاری صنعتگران فزونی می یابد تا به مرحله نهایی و کمال خود می رسد.» (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۵۰) البته وی یکی از عوامل مهم در افزایش تولد و تناسل را حمایت دولت از مردم و رعایا می داند و معتقد است: « هرگاه دولت ها شیوه اعتدال در پیش گیرند و با مردم همراه باشند، رعایا امیدوار می شوند و با جنبش و کوشش در راه تهیه کردن وسایل عمران و آبادانی تلاش می کنند و در نتیجه اجتماع توسعه می یابد و تولد و تناسل مردم افزون تر می شود» (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۷۵). بر این اساس افزایش میزان جمعیت فعال و نیروی کار افزایش جمعیت را در پی دارد. البته این در صورتی است که دولت نقش هدایتی و حمایتی خویش را از نیروی کار به درستی انجام دهد و سایر شرایط محیطی و حتی بین المللی نیز تسهیل کننده این امر باشند.

نتیجه گیری

- ۱- جمعیت نقش مؤثری در ترسیم و تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی ملت ها برعهده دارد؛ به گونه ای که غفلت از آن می تواند خسارات جبران ناپذیری را وارد کند.
- ۲- از دیدگاه جهانی نیز یکی از مشخصه های توسعه، رشد جمعیت است.
- ۳- اجرای برنامه کنترل زاد و ولد در کشورهای اسلامی برنامه ای نادرست به شمار می آید.

- ۴- سبک زندگی غیر اسلامی موجب ایجاد مشکلات گوناگون اقتصادی (مشکل در تأمین مخارج زندگی، مشکل مسکن، اشتغال، طولانی شدن تحصیل و...) و در نتیجه از بین بردن شرایط آسان و طبیعی ازدواج گردیده است.
- ۵- رواج دیدگاه های فمینیستی نیز کاهش تمایل به فرزندآوری و در نتیجه کاهش جمعیت را در جوامع اسلامی را در پی داشته است.
- ۶- نقش رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری در تهاجم فرهنگی و زمینه سازی برای القای سیاست های نادرست کنترل مولید در جوامع اسلامی کاملاً روشن است
- ۷- بر مبنای آموزه های قرآن کریم، در دین اسلام بر ازدیاد نسل - به ویژه نسل صالح - برای تعالی و قدرتمندی جامعه اسلامی تأکید شده است؛ چنانکه حتی ازدواج از بین برنده فقر معرفی شده است.
- ۸- در مجموع از آموزه های اسلامی جهت گیری تشویق فرزند آوری و استحباب کثرت نسل به دست می آید چنانکه در موضوع کثرت نسل از احساس کمبود یا نبود روزی کافی پرهیز می دهد و رویکردی خوش بینانه را گوشزد می کند.
- ۹- تقویت باورهای دینی و التزام به ارزشهای اسلامی و انسانی در امر خانواده و هم چنین تسهیل شرایط ازدواج جوانان و حتی تعدد زوجات توسط کسانی که توانایی رعایت دستورات اسلامی را در این رابطه دارند از جمله راهکارهایی برای جلوگیری از آسیب ها در این زمینه است.

یادداشت

- ۱- مقصود اجرای سیاست هایی از طرف حاکمیت برای کنترل مولید است که در دهه هفتاد انجام گرفته است. هرچند در این رابطه به صورت صریح فتوا یا حکمی از سوی مراجع دینی مطرح نگردیده است

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن خلدون، (۱۴۰۸) تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ج ۱
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق) تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول. ج ۸
۴. ادیب، مریم، (۱۳۹۰ش) تربیت دینی کودک و نوجوان، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ چهارم.
۵. آلوسی سید محمود، (۱۴۱۵ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول. ج ۱
۶. بغوی حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق) معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول. ج ۱
۷. بیضاوی عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق) أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول. ج ۱
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)؛ تفسیر تسنیم، ویرایش: سعید بند علی، قم: نشر اسراء، چاپ اول. ج ۱۱
۹. جوکار، محبوبه؛ (۱۳۹۳)، « مدرنیته تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران » پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۲. صص ۳۹-۶۹.
۱۰. چیدری، زهرا، سیاست های غرب در کاهش جمعیت کشورهای مسلمان، پایگاه تبیینی تحلیلی برهان، ۱۰ مرداد ۱۳۹۲،

کد مطلب: ۵۶۱۳ <http://www.borhan.ir>

۱۱. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۳۴۵ش)، کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.
۱۲. حلم سرشت، پریش، (۱۳۷۸ش)، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران: نشر چهره، چاپ دوازدهم.
۱۳. زنجانی، حبیب الله و دیگران (۱۳۷۸ش)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: نشر و تبلیغ بشری، چاپ پنجم.
۱۴. سالاری مقدم، مریم (۱۳۸۴ش)، مادران شاغل و تربیت فرزند، پایان نامه سطح ۲، مشهد: مؤسسه علمی - پژوهشی مکتب نرجس علیها السلام.
۱۵. سبحانی نیا، محمد، (۱۳۹۱ش)، «تحدید خانواده، تهدید جامعه»، ره توشه راهیان نور، شماره ۱، صص ۲۵-۵۰.
۱۶. سیوطی جلال الدین، (۱۴۰۴ ق) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱،
۱۷. شکری، فرزانه؛ شجاع نوری، فروغ الصباح، (۱۳۹۲) چالش های روش شناختی و معرفتی در پژوهش های موجود جمعیتی، معرفت سال ۲۳، شماره ۱۸۹، صص ۷۱-۵۹.
۱۸. طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۲،
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۲ و ۱۰
۲۰. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق) مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۵،
۲۱. فولادی، محمد، (۱۳۹۰) «تأملی بر سیاست کنترل جمعیت؛ آثار و پیامدهای آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۹، صص ۱۵۳-۱۸۰.
۲۲. قدسی، علی محمد، بلالی اسماعیلی، عیسی زاده سعید (۱۳۹۰)، «بازدارنده ها و تسهیل کننده های اقتصادی، اجتماعی طلاق»، مجله مطالعات راهبردی زنان شماره ۵۳.
۲۳. قرائتی محسن، (۱۳۸۳ش) تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ج ۱
۲۴. قرشی سید علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ج ۱
۲۵. قرطبی محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش) الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ج ۷،
۲۶. کاظمی، ابوالفضل، شاهمرادی، مهدوی، (۱۳۹۲) الگوی جمعیتی خانواده بر مبنای سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات برگزیده هفتمین همایش بین المللی پژوهش های قرآنی، جلد دوم.
۲۷. کتابی، احمد، (۱۳۷۷ش)، درآمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
۲۸. کلانتری، صمد و ستار صادقی ده چشمه، (۱۳۸۵)، «برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، فصلنامه جمعیت، شماره ۵۵-۵۶، صص ۱۳۳-۱۵۰.
۲۹. محسن پور، بهرام، (۱۳۸۲ش) پروتکل دانشوران یهود، تهیه و تنظیم: سید حسین نجفی یزدی، قم: ناظرین، چاپ اول.
۳۰. مراغی احمد بن مصطفی، (۱۳۸۵ش) تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۱
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰ش)، خاتمیت، تهران: صدرا.
۳۲. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ج ۲، ۶ و ۱۲

۳۳. مهرگان، نادر و روح الله رضائی، (۱۳۸۸ش)، «اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی» پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۹، صص ۱۳۷-۱۴۶.

۳۴. نوری، حسین، (۱۴۰۷ق) مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل بیت. ج ۱۵